



Woman in Development and Politics

Analysis of Unemployment Duration of Men and Women Job Seekers Referring to Job Centers of Iran over the Period of 2013-2019

Saadolah Darabi^{1✉} | Hossein Mahmoudian² | Majid Koosheshi³ | Hossein Raghfar⁴

1. Corresponding Author, PhD, Department of Demography, Faculty of Social Sciences, University of Tehran and expert of Ministry of Cooperation, Labor and Social Welfare, Tehran, Iran. Email: darabi.s1402@gmail.com
2. Full Professor, Department of Demography, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: hmahmoud@ut.ac.ir
3. Assistant Professor, Department of Demography, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: kooshesh@ut.ac.ir
4. Professor, Department of Economics, Faculty of Social and Economic Sciences, Al-Zahra University, Tehran, Iran. Email: raghfg@yahoo.co.uk

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 20 March 2024

Received in revised form: 13 May 2024

Accepted: 09 June 2024

Published online: 06 October 2024

Keywords:

Age, Employment, Gender, Unemployment Duration.

ABSTRACT

Over the past two centuries, the intellectual endeavors of women have introduced fresh insights into the realm of human knowledge and sparked numerous significant inquiries. Feminist criticism scrutinizes the position of women along two dimensions: the authorial persona (the depiction of women in literary works) and the constructed persona (the representation of women in the works of authors). The protagonist of *al-Tawaf Hayat al-Jamar*, which is regarded as the first female novel in Oman, is a victim of men in life (patriarchal system of prejudices and traditions). Through a deconstructive lens, this modernist novel attempts to call into question the dichotomy that exists between men and women. Consequently, the female protagonist perceives her status and sense of self as outcomes of the patriarchal social structures established by males and male authority. The present study employed the analytical descriptive method to examine the three axes of imitation, protest, and self-discovery as they pertain to the protagonist of the novel. The research findings indicate that the novel's feminist nature is primarily influenced by elements such as protest, self-expression, violence, the repression of feminine inclinations, and the breaking of taboos. However, it is worth noting that the novel also exhibits signs of self-awareness. However, through the author's decision to isolate the hero, he is prevented from reaching the critical juncture of self-exploration and developing a distinct identity, which is devoid of imitation and opposition.

Cite this article: Darabi, S., Mahmoudian, H., Koosheshi, M., & Raghfar, H. (2024). Analysis of unemployment duration of men and women job seekers referring to job centers of the country in the period of 2012-2018. *Women in Development and Politics*, 22(3), 653-680. DOI: <https://doi.org/10.22059/jwdp.2022.342909.1008208>



© The Author(s).

Publisher: The University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jwdp.2022.342909.1008208>



انتشارات دانشگاه تهران

زن در توسعه و سیاست

تحلیل وضعیت طول مدت بیکاری زنان و مردان جویای کار مراجعه کننده به مراکز کاریابی کشور در دوره ۱۳۹۲-۱۳۹۸

سعداله دارابی^۱ | حسین محمودیان^۲ | مجید کوششی^۳ | حسین راغفر^۴

۱. نویسنده مسئول، دکتری تخصصی، گروه جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران و کارشناس وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، تهران، ایران. رایانامه:

darabi.s1402@gmail.com

۲. استاد گروه جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: hmahmoud@ut.ac.ir

۳. استادیار گروه جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: kooshesh@ut.ac.ir

۴. استاد گروه اقتصاد، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران. رایانامه: raghhg@yahoo.co.uk

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: مقاله پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۱</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۲/۲۴</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۰</p> <p>تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۷/۱۵</p> <p>کلیدواژه‌ها: اشتغال، جنس، سن، مدت بیکاری.</p>	<p>هدف این پژوهش، تحلیل وضعیت مدت بیکاری و مقایسه آن در بین زنان و مردان ایرانی مراجعه کننده به مراکز کاریابی است. مطالعه حاضر از نوع تحلیل ثانویه و جامعه آماری مورد مطالعه، شامل کلیه جویندگان کار ۱۵ تا ۴۵ ساله مراجعه کننده به کاریابی‌های سراسر کشور، از ابتدای سال ۱۳۹۲ تا پایان مهرماه سال ۱۳۹۸ است که با کمک تکنیک آماری تحلیل بقا انجام پذیرفته است. براساس یافته‌های این مطالعه، زنان دوره بیکاری طولانی‌تری از مردان دارند. جویندگان کار گروه‌های سنی ۲۰ تا ۲۴ سال، دارای میانگین دوره بیکاری کوتاه‌تری از سایر گروه‌های سنی هستند. کارجویان متأهل، مطلقه و بیوه، احتمال بقای بیکاری کمتری از افراد مجرد دارند. کارجویان بی‌سواد دارای بیشترین احتمال بیکاری هستند و افراد با سطح تحصیلات کارشناسی ارشد و دکتری در رده دوم بالاترین احتمال بیکاری قرار دارند. نتایج این مطالعه حاکی از آن است که در فرایند سیاست‌گذاری و مدیریت بازار کار کشور، توجه به تغییرات ساختار سنی و جنسی جمعیت، نیازمند اهتمام جدی است. زنان نیمی از جمعیت کشور هستند؛ بنابراین ضروری است استفاده از این ظرفیت، به‌ویژه در شرایط خروج از پنجره جمعیتی و نیز برنامه‌ریزی برای ایجاد اشتغال پایدار و کاهش طول دوره بیکاری، ضمن توجه به محدودیت تنوع شغلی و نقش آنان در تأهل و فرزندآوری و تربیت فرزندان، در اولویت قرار گیرد.</p>

استناد: دارابی، سعداله، محمودیان، حسین، کوششی، مجید، و راغفر، حسین (۱۴۰۳). تحلیل وضعیت طول مدت بیکاری زنان و مردان جویای کار مراجعه کننده به مراکز

کاریابی کشور در دوره ۱۳۹۲-۱۳۹۸. *زن در توسعه و سیاست*، ۲۳ (۳)، ۶۵۳-۶۸۰.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jwdp.2022.342909.1008208>

DOI: <https://doi.org/10.22059/jwdp.2022.342909.1008208>



© نویسندگان.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

۱. مقدمه

حوزه اشتغال از اولویت‌های مهم سیاست‌گذاران به‌شمار می‌آید. منابع انسانی هر کشوری از ارزشمندترین منابع آن کشور است و بخش مهمی از آن در فرایند بازار کار و تولید قرار می‌گیرد. از اشتغال به‌عنوان عامل محرک در توزیع عادلانه درآمدها، حفظ کرامت انسان، بروز خلاقیت‌ها و رسیدن به معیارهای کار شایسته نام برده می‌شود و از بیکاری به‌عنوان ریشه بسیاری از ناهنجاری‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یاد می‌شود. منابع انسانی، مبنای سیاست‌گذاری اشتغال و شکل‌گیری بازار کار هر اقتصادی است و توجه به این موضوع می‌تواند بخش مهمی از زوایای سیاست‌گذاری این حوزه را تشریح کند (Report of the first international workshop on labor market studies, 2016).

جمعیت و ویژگی‌های جمعیتی به‌طور بالقوه مهم‌ترین منبع عرضه نیروی انسانی در بازار کار است و دولت‌ها همواره براساس رشد این مؤلفه از بازار کار و تحولات آن، به برنامه‌ریزی نیروی کار انسانی و تلاش برای ایجاد اشتغال و دیگر برنامه‌های مربوط به تعادل بازار کار می‌پردازند. ساختار سنی و جنسی جمعیت کشورها از ابعاد مختلف در برنامه‌ریزی‌های کلان اهمیت دارد؛ به‌خصوص جمعیت فعال که می‌تواند تولید و رشد اقتصادی به بار آورد.

امروزه ساختار جمعیتی جوان و عرضه فراوان نیروی کار و نبود امکانات متناسب با آن، بیکاری را به مهم‌ترین معضل اقتصادی-اجتماعی کشورهای درحال توسعه از جمله ایران تبدیل کرده است. از این‌رو توجه به مباحثی مانند پنجره جمعیتی و عرضه نیروی کار، عرضه و تقاضای نیروی کار زنان و جوانان در بازار کار و نقش نظام آموزشی رسمی و مهارتی در بازار کار می‌تواند در مدیریت بازار کار ایران گره‌گشا باشد. یکی از شاخص‌هایی که می‌تواند نقش این مباحث را برجسته‌تر کند، توجه به مدت بیکاری افراد جویای کار است. تمرکز کردن بر عرضه و تقاضای نیروی کار، مبتنی بر شاخص‌هایی مانند سن، جنس، سطح تحصیلات، وضعیت مهارت، وضعیت تأهل و... می‌تواند شناخت ما را از کاستی‌ها و ظرفیت‌های موجود در عرضه و تقاضای بازار کار بیشتر کند و نتایج آن برای مدیریت بازار کار ایران ارزشمند خواهد بود.

اگرچه بیکاری موضوعی است که همواره از آن به‌عنوان معضلی اقتصادی-اجتماعی یاد شده و سعی می‌شود تا دلایل بروز آن با استفاده از نظریه‌های متفاوت در سطح ملی یا منطقه‌ای تبیین شود، آنچه بیش از این موضوع اهمیت دارد، طول دوره‌ای است که طی آن فرد بیکار به دنبال شغل است. این شاخص که به مدت بیکاری توجه ویژه دارد، در ادبیات اقتصادی به دوره بیکاری معروف است و متوسط آن به‌عنوان معیاری اساسی به‌مراتب اهمیت بیشتری از نرخ بیکاری دارد؛ زیرا دوره بیکاری معیاری پویا به‌شمار می‌رود؛ درحالی‌که نرخ بیکاری مفهومی ایستا است. براین اساس می‌توان حتی

شرایطی را که در آن نرخ بیکاری زیاد (در مقطع زمانی مشخص) با دوره‌های بیکاری کوتاه اتفاق می‌افتد تصور کرد. از این رو نه تنها مطالعه نرخ و تعداد بیکاران، بلکه مطالعه متوسط طول دوره بیکاری و شناسایی عوامل مؤثر بر آن از اهمیت بسزایی برخوردار است (Faizpour, 2009).

«مدت بیکاری» متغیری بسیار کلیدی است که می‌تواند تغییرات بازارهای کار را توضیح دهد و به‌طور گسترده در مدل‌های انحلال شغل و ایجاد آن به‌هنگام تحلیل جریان‌ات بین اشتغال، بیکاری و خارج از نیروی کار استفاده شود. در تعریف این متغیر می‌توان گفت طول دوره بیکاری مقدار زمانی است که فرد بیکار می‌ماند (Ciuca & Matei, 2011). سازمان بین‌المللی کار، بیکاری بیش از دوازده ماه متوالی را بیکاری بلندمدت تعریف می‌کند. از این رو مدت بیکاری، شاخصی مهم در ارزیابی وضعیت بیکاری در هر منطقه جغرافیایی به حساب می‌آید. بیشتر مطالعات انجام‌شده در ایران، به بررسی وضعیت بیکاری به‌صورت ایستا و با محاسبه نرخ اشتغال و بیکاری در بین گروه‌های سنی و مناطق مختلف جغرافیایی یا جنسیت و سایر متغیرهای جمعیتی و فردی پرداخته‌اند، اما واقعیت این است که پویایی‌شناسی روند بیکاری و اشتغال بر مبنای محاسبه مدت بیکاری و شناخت تعیین‌کننده‌های آن، موضوعی است که در کشورهای اروپایی و بعضی از کشورهای در حال توسعه اخیراً مورد توجه واقع شده است، اما در ایران انجام چنین مطالعه‌ای در سطح ملی و به‌صورت طولی تاکنون سابقه نداشته است.

امروزه به فراخور تغییرات ساختار سنی و تورم جوانی در ایران، اشتغال بزرگ‌ترین گروه‌های سنی کشور (مانند گروه سنی ۲۵ تا ۲۹ سال، ۳۰ تا ۳۴ و ۳۵ تا ۳۹ سال که بیشترین فراوانی جمعیتی را در بین همه گروه‌های سنی پنج‌ساله دارند)، به امری حیاتی تبدیل شده است. به نظر می‌رسد عرضه و تقاضای بازار کار در نواحی مختلف ایران و در بین گروه‌های متفاوت سنی و جنسی متفاوت است. براساس نتایج طرح آمارگیری نیروی کار مرکز آمار ایران، در سال ۱۳۹۴، بیشترین نسبت جمعیت بیکار که مدت بیکاری آن‌ها یک سال و بیشتر بوده، مربوط به رده سنی جوانان ۲۵ تا ۲۹ ساله با سهم ۴۰ درصد است. همچنین بیشترین میزان بیکاری بلندمدت در میان مردان و زنان مربوط به گروه سنی ۲۵ تا ۲۹ ساله ۱۰/۱ درصد بوده است (Strategic Information and Statistics, Center of the Ministry of Cooperation, Labor and Social Welfare, 2015).

توزیع نسبی برآورد جمعیت بیکار ۱۵ تا ۷۹ ساله و بیشتر در کشور، حاکی از آن است که ۴۰/۴ درصد مردان و ۵۹/۶ درصد زنان در گروه سنی ۲۵ تا ۲۹ سال، به مدت یک سال و بیشتر در جست‌وجوی شغل بوده‌اند. همچنین ۲۹/۸ درصد مردان ۵۷/۸ زنان در گروه سنی ۳۰ سال و بیشتر به مدت یک سال و بیشتر در انتظار یافتن شغل بوده‌اند. براساس نتایج این طرح، سهم بیکاران با بیکاری بلندمدت از کل بیکاران کشور در سال ۱۳۹۴ برابر با ۳۸/۴ درصد بوده است

(Strategic Information and Statistics Center of the Ministry of Cooperation,)
(Labor and Social Welfare, 2015).

صادقی (۲۰۱۱) در بررسی وضعیت پنجره جمعیتی در ایران، یکی از ضعف‌های اقتصاد کشور در شرایط پنجره جمعیتی را کم‌بودن نرخ مشارکت اقتصادی زنان می‌داند. در واقع زنان به‌عنوان نیمی از جمعیت کشور، نقش اندکی در اقتصاد کشور دارند و همین موضوع سبب شده است که نرخ مشارکت در سطح کلی در کشور کم باشد. بر همین اساس، یکی از راه‌حل‌ها برای مواجهه با دوره سالمندی جمعیت و کاهش نیروی کار در کشور، افزایش نرخ مشارکت زنان است. بر این اساس و با توجه به اهمیت متغیر جنس در وضعیت اقتصادی کشور و با توجه به اینکه مطالعه‌ای در مورد وضعیت بیکاری بر اساس مدت بیکاری در کشور به‌صورت جامع انجام نشده است، مطالعه بعضی از شاخص‌های پویایی‌شناسی اشتغال و بیکاری، مانند مدت بیکاری جویندگان کار و زمان خروج آنان از بیکاری امری حیاتی به‌شمار می‌رود. تحلیل وضعیت مدت بیکاری و روند آن در کشور به تفکیک جنس، با هدف شناخت اجزا و ابعاد بیکاری به‌منظور سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی مبتنی بر شواهد علمی، برای بهبود سطح رفاه گروه‌های مختلف جمعیت کشور، ضروری به‌نظر می‌رسد. هدف این مطالعه، بررسی و برآورد مدت بیکاری در ایران و مقایسه آن بین زنان و مردان در سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ است.

۲. پیشینه پژوهش

۲-۱. ملاحظات نظری پژوهش

نظریه‌های متفاوتی برای تبیین تأثیر هریک از عوامل مؤثر بر دوره بیکاری وجود دارد؛ برای مثال، تأثیر جنس بر دوره بیکاری را می‌توان بر اساس نظریه نئوکلاسیک‌ها، نظریه بازار کار دوگانه و نظریه جنسیتی تفسیر کرد. نظریه نئوکلاسیک‌ها بیان می‌کند که در مقایسه با مردان، طول دوره بیکاری برای زنان، به دلیل آنکه بازار کار، نخست نیروی کار بهره‌ورتر را جذب می‌کند، بیشتر است. از این رو، در شرایطی که سطح آموزش به‌عنوان عاملی مؤثر بر بهره‌وری، در زنان پایین‌تر از مردان است، زنان دوره بیکاری طولانی‌تری را در مقایسه با مردان تجربه می‌کنند. این موضوع به‌ویژه زمانی که بازار کار از انعطاف‌پذیری لازم برخوردار نباشد، اهمیتی مضاعف خواهد داشت. همچنین تأثیر وضعیت تأهل بر دوره بیکاری با توجه به نظریه‌های جنسیتی قابل توجیه است؛ چراکه نظریه‌های جنسیتی، به‌ویژه با فرهنگ ایرانی، وظایف اصلی زنان را عمدتاً تربیت و پرورش فرزندان دانسته‌اند. این در حالی است که در این فرهنگ، تأمین درآمد مورد نیاز خانوار برعهده مردان گذشته شده است و از این رو انتظار می‌رود تحمیل چنین وظیفه‌ای بر مردان، موجب کاهش دوره بیکاری برای این گروه

شود.

فرض اصلی در نظریه‌های جنسیتی این است که موقعیت زنان در بازار کار و در خانه و خانواده با یکدیگر مرتبط و جزئی از یک نظام کلی اجتماعی است که در آن زنان تابع مردان هستند. نکته مهم در این نظریه‌ها، اختصاص کار خانگی، به‌ویژه مراقبت از کودکان، به زنان است. این نظریه‌ها تأکید می‌کنند که گرایش «مشاغل زنانه» انعکاسی از نقش خانگی زنان است و درست همان‌گونه که در بیشتر جوامع، کار خانگی زنان کم‌ارزش‌تر تلقی شده است، این مشاغل و مهارت‌ها نیز کم‌ارزش هستند. نظریه‌های جنسیتی به ویژگی‌هایی می‌پردازند که مشاغل زنان را کلیشه‌ای می‌کنند. ویژگی‌هایی مثل ماهیت مراقبتی‌داشتن، نیاز به مهارت‌های مرتبط و نزدیک با کارهای خانگی، نیاز به مهارت‌های دستی، نیاز به صداقت و درستی بیشتر و نیاز به زیبایی ظاهری در مشاغل (مانند مشاغل بخش‌های آموزشی و بهداشتی)، موجب مناسب‌تر بودن زنان برای اشتغال در آن‌ها می‌شود (Nowrozi, 2013).

اگرچه تأثیر آموزش بر دوره بیکاری با الگوهای متفاوتی در حوزه مطالعات نیروی انسانی قابل بررسی است، از نحوه ارتباط این دو مقوله و اینکه سطوح آموزش بالاتر سبب کاهش یا افزایش دوره بیکاری می‌شود، به‌عنوان مقوله‌ای پارادوکسی یاد شده و نظریه‌های حوزه مهارت (آموزش و تحصیل) بر جهت ارتباط این دو اتفاق نظر ندارند. از یک سو ادعا بر این است که چنانچه آموزش بتواند بر بهره‌وری نیروی انسانی تأثیر مثبت بگذارد، احتمال دستیابی به شغل افزایش و طول دوره بیکاری را کاهش می‌دهد؛ زیرا بازار کار، نخست جویندگان کار بهره‌ورتر جذب خواهد کرد. این در حالی است که عده‌ای از صاحب‌نظران بر این باورند که آموزش، راه‌حل مناسبی برای کاهش نرخ بیکاری یا دوره آن نیست. براساس این نظریه، آموزش نیروی انسانی تحت شرایط خاصی فقط می‌تواند تقاضا برای نیروی کار را از کارگران ساده به کارگران آموزش‌دیده تبدیل کند. براین اساس، کارایی و تأثیر برنامه آموزش فقط در یک ساختار سالم اقتصادی که در آن عوامل به‌صورت کارا و مؤثر به استخدام درمی‌آیند، قابل مشاهده خواهد بود (Hadian, 2013). این در حالی است که آموزش بیشتر می‌تواند سطح دستمزدهای انتظاری را در بازار کار افزایش دهد و از این طریق، تقاضا برای نیروی کار با سطوح تحصیلی بیشتر کاهش و دوره بیکاری این گروه افزایش یابد. نظریه ناهماهنگی در بازار کار^۱، ناهماهنگی‌های متفاوتی را مانند ناهماهنگی مهارتی در این بازار بررسی می‌کند و این بر حالتی دلالت دارد که هم‌زمان عرضه و تقاضا برای نیروی کار وجود داشته است، اما تمایزات عمده میان این دو از حیث مهارت مشاهده می‌شود. این موضوع خود می‌تواند دوره بیکاری

یا زمان دستیابی به شغل را طولانی‌تر کند (Faizpour, 2009). از جمله نظریه‌های دیگر تبیین‌کننده عوامل تأثیرگذار بر طول مدت بیکاری، «نظریه جست‌وجوی شغل» است که اولین بار در دهه ۱۹۶۰ توسط استیگلر^۱ مطرح شد. بر مبنای این نظریه، پذیرفتن یک پیشنهاد شغلی معین به دستمزد حدی فرد بیکار^۲، به انتظار او در مورد پیشنهادهای شغلی‌ای که در آینده به او خواهد شد و البته هزینه‌های جست‌وجو بستگی خواهد داشت. هر فرد بیکار دارای یک دستمزد حدی است که هرگاه دستمزد پیشنهاد شده به او بیشتر یا برابر با این دستمزد باشد، شغل مورد نظر را می‌پذیرد و در غیر این صورت آن را رد می‌کند. دستمزد حدی فرد به ویژگی‌های فردی، موقعیت خانوادگی و موقعیت اقتصادی و منطقه‌ای که فرد در آن زندگی می‌کند، بستگی دارد؛ برای مثال افرادی که دارای مسئولیت خانوادگی بیشتر هستند، دستمزد حدی کمتری دارند و در مقایسه با بیکارانی که چنین مسئولیتی ندارند، بیشتر احتمال دارد پیشنهادی شغلی را بپذیرند. ترکیب خانواده و موقعیت هر کدام از اعضای آن نیز از دیگر عوامل مهم تأثیرگذار بر نرخ خروج از دوره بیکاری یا به عبارت دیگر، طول دوره بیکاری است. وجود فرزندان خردسال و تعداد اعضای شاغل و بیکار در خانواده نمونه‌ای از این ویژگی‌ها است. همچنین به نظر می‌رسد افرادی با منابع مالی جایگزین کمتر (مانند پس‌انداز یا بیمه بیکاری)، دستمزد حدی کمتر و در نتیجه تمایل بیشتری برای پذیرش پیشنهادهای شغلی دارند. دستمزد حدی همچنین ممکن است تحت تأثیر مقدار سرمایه انسانی از دست‌رفته در طول دوره بیکاری قرار بگیرد. کسانی که با استهلاک (تنزل) سریع‌تر مهارت‌های خود در هنگام بیکاری روبه‌رو هستند، احتمالاً تمایل بیشتری به قبول شغل خواهند داشت. از این لحاظ، نوع حرفه و سطح تحصیلات فرد، متغیرهای مرتبط خواهند بود. کارگران جوان کمتر تحصیل کرده، تمایل بیشتری به قبول دستمزدهای کمتر نشان می‌دهند (Faizpour & Zare, 2012). زنان نیز معمولاً در بازار شغلی مهارت کمتری دارند و به‌ویژه زنان نیازمند به کار، به سطوح پایین‌تر کار و دستمزد تن خواهند داد.

۲-۲. پیشینه تجربی پژوهش

علی‌پور (۲۰۱۷) در مطالعه‌ای با هدف بررسی ارتباط سطح تحصیلات عالی با کسب شغل و درآمد نشان داد اگرچه زنان سرپرست خانوار در حالت کلی در مقایسه با مردان سرپرست خانوار شانس کمتری برای شاغل‌بودن دارند، در صورتی که تحصیلات دانشگاهی داشته باشند، شانس بیشتری برای

1. Stigler

2. Reservation Wage

شاغل شدن در مقایسه با مردان دارند. از این رو با کسب شغل و کاهش نابرابری، اثر مثبتی بر رشد تولید ناخالص داخلی کل کشور خواهند داشت.

مهربانی (۲۰۱۴) نشان داد سهم زنان در مشاغل دستمزدی غیرکشاورزی بر باروری و رشد جمعیت اثر مثبت دارد. از این رو، فعالیت زنان در مشاغل غیرکشاورزی که با کسب مزد همراه است، مانعی برای بزرگ‌تر شدن بعد خانوار و تأمین نیازهای جمعیتی کشور نخواهد بود.

ترابی و رشوند (۲۰۱۹) دریافتند مطالعه شاخص‌های بیکاری، حاکی از افزایش بیکاری زنان و مردان در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۵ است. استانداردسازی نسبت افراد بیکار مشخص کرد تشابه توزیع سنی و توزیع تحصیلی در سال‌هایی که آن‌ها با افزایش بیکاری روبه‌رو بوده‌اند، جز در مردان کل کشور، در سایر گروه‌ها (زنان کل کشور و زنان و مردان مناطق شهری و روستایی)، نمی‌تواند تفاوت‌های میزان بیکاری آن‌ها را از بین ببرد؛ بنابراین تغییرات اخیر در بیکاری را باید در عواملی مانند تغییرات ساختار سنی و ترکیب تحصیلی، ویژگی‌های فردی (وضع تأهل و مهارت‌های حرفه‌ای)، مشکلات مدیریتی، نبود تناسب بین مهارت افراد و نیازهای بازار کار جست‌وجو کرد.

زکی و همکاران (۲۰۱۹) در مطالعه‌ای در پی پاسخ به این سؤالات که الگوهای فضایی بیکاری در ایران چگونه است و دارای چه اثراتی بر جغرافیای سیاسی کشور است، نشان دادند الگوهای فضایی بیکاری با بیکاری تحصیل‌کردگان متفاوت است و پایداری این الگوها طی زمان سبب تقویت فرایندهای ناموزون مهاجرت و توسعه شده و برداشت مردم از آن را سیاسی کرده است. همچنین تداوم این وضعیت از دیدگاه جغرافیای سیاسی، چالش بزرگی برای حاکمیت و دولتمردان به‌شمار می‌رود.

نجار نهماوندی و خاکی نجف‌آبادی (۲۰۰۹) با تحلیل وضعیت بیکاری در استان‌های کشور و دسته‌بندی استان‌ها براساس شاخص‌های بیکاری و عوامل جمعیتی مؤثر بر بیکاری به این نتیجه رسیدند که نسبت بیکاری در بین استان‌های کشور تفاوت زیادی دارد. براساس نتایج، زیادبودن سهم جمعیت واقع در سن فعالیت شرط لازم، و زیادبودن سهم جمعیت فعال، شرط کافی برای نرخ فراوان بیکاری در هر استان است.

عبدلی و ورهرامی (۲۰۰۸) نشان دادند استفاده از بیمه‌های درمانی یکی از عواملی است که بر تمایل به کار زنان مؤثر است. پس اگر زنی همسرش، تحت پوشش بیمه درمانی باشد و از درآمد خوبی نیز برخوردار باشد، تمایل کمتری به کار کردن دارد. متغیرهای دیگری مثل سن، تحصیلات زن و تحصیلات شوهر، درآمد ماهانه شوهر و تعداد فرزندان بر تمایل به کار زنان در مشاغل تمام‌وقت و نیمه‌وقت مؤثر است. اثرگذاری این عوامل به‌خصوص بر تمایل به کار زنان در مشاغل تمام‌وقت

بیشتر است.

نوروزی (۲۰۱۳) با استفاده از نتایج سرشماری سال ۱۳۷۵ و آمارگیری هزینه و درآمد خانوار ۱۳۷۹ و آمارگیری اشتغال و بیکاری ۱۳۸۲ نشان داد زنان در بازار کار ایران با محدودیت تنوع شغلی و محدودیت در فرصت‌های ارتقای شغلی مواجه هستند. علاوه بر آن درآمد زنان، حتی در سطوح تحصیلی برابر با مردان، به مراتب کمتر است.

صیدایی و همکاران (۲۰۱۱) دریافتند نرخ بیکاری کشور در سال ۱۳۸۵ طبق آمار رسمی مرکز آمار ۱۱/۲ درصد بوده است. این نرخ در سال ۱۳۸۹ به ۱۴/۶ درصد رسیده که در مقایسه با سال ۱۳۸۵ میزان آن ۳/۴ درصد افزایش داشته است و حاکی از میزان زیاد بیکاری در کشور در این برهه زمانی است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد هرچند نرخ بیکاری در برخی از استان‌ها کاهش محسوسی نشان داده، در کشور رقم زیادی نسبت به کشورهای توسعه‌یافته و بیشتر کشورهای درحال توسعه دارد و دلیل آن رشد روزافزون جمعیت و افزایش عرضه نیروی کار و همچنین کمبود ظرفیت‌های تولید است.

پورکاظمی (۲۰۰۸) نشان داد ۷۶ تا ۷۹ درصد فارغ‌التحصیلان علوم انسانی به کار مشغول شده‌اند که حداکثر تا یک سال به دنبال کار بوده‌اند. این درصدها در رشته‌های مختلف متفاوت است. ۷۱ تا ۶۹ درصد شاغلان، کار خود را با رشته تحصیلی‌شان مرتبط می‌دانند. ۶۸ تا ۷۵ درصد از شاغلان از کار خود راضی هستند. این میزان، مستقل از جنسیت است و وضعیت آن دسته که دوره کارشناسی ارشد را گذرانده‌اند، بهتر است. در پایان مشخص شد وضعیت فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های دولتی از نظر اشتغال، علاقه به کار، ارتباط کار و رشته خوب است. البته این وضعیت در رشته‌های مختلف متفاوت است.

هرندی و فلاح محسن‌خانی (۲۰۰۶) به این نتیجه رسیدند که نبود تعامل بین مؤسسات آموزشی و بازار کار، نبود فرصت‌های شغلی کافی و نابرابری فرصت‌های شغلی برای زنان و مردان، ضعف برنامه‌های حمایت از خوداشتغالی، سازمان‌یافته نبودن بازار کار کشور و کم‌رنگ بودن نقش مؤسسات کاریابی و مؤسسات محل تحصیل در این بازار، از مهم‌ترین موانع اشتغال جوانان محسوب می‌شوند. حسینی‌نسب و احمدلو (۲۰۱۲) در پژوهشی نشان دادند اثر متغیرهای سن، جنسیت، نسبت با سرپرست خانوار و تجربه کار قبلی، بر مدت بیکاری، معنادار و اثر متغیرهای وضع تحصیلات و وضع تأهل بر طول مدت بیکاری معنادار نیست.

زارع (۲۰۱۰) میزان تأثیر برخی عوامل مهم فردی را بر دوره بیکاری افراد بیکار جویای کار در شهرستان یزد، در سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۸۹ مطالعه کرد. روش آماری مورد استفاده برای آزمون

فرضیه‌های مطرح شده در این پژوهش، رویداد متناسب کاکس بود که در گروه مدل‌های دوره‌ای قرار داده شد. نمونه آماری پژوهش شامل ۱۹۶۴ فرد بیکار جویای کار بود که هر یک فقط یک دوره بیکاری را در دوره زمانی مورد مطالعه تجربه کرده بودند. نتایج پژوهش نشان داد عواملی مانند جنسیت مرد، تأهل، تعداد فرزند، داشتن مهارت حرفه‌ای، سابقه اشتغال و تحصیلات بالاتر، از دوره بیکاری فرد می‌کاهد. دو عامل افزایش سن و اشتغال همسر نیز بر این دوره افزوده‌اند.

هادیان (۲۰۱۳) با استفاده از اطلاعات مربوط به افراد جویای کار که در اداره کار شهرستان شیراز ثبت‌نام کرده بودند و با به‌کارگیری یک الگوی دوره زمانی، به بررسی تأثیر عواملی مختلف، بر طول میانگین دوره بیکاری پرداخت. نتایج او نشان‌دهنده این بود که مردان جویای کار، در مقایسه با زنان، دوره بیکاری کوتاه‌تری را گذرانده‌اند.

فیض‌پور (۲۰۰۹) نشان داد وضعیت تأهل و جنسیت افراد جویای کار، بر متوسط زمان بیکاری تأثیر نگذاشته و بر این اساس نمی‌توان تمایز معنی‌داری را بین متوسط دوره بیکاری زنان و مردان مشاهده کرد.

کریمی موغاری و جهان‌تیغ (۲۰۱۳) وضعیت اشتغال غیررسمی زنان جوان ۲۵-۱۵ سال را با استفاده از آمار طرح هزینه-درآمد خانوار در سال ۱۳۹۰ مطالعه کردند. در این پژوهش از حداقل مزد به‌عنوان شاخصی برای برآورد اشتغال غیررسمی استفاده شد. مطابق نتایج، در سال ۱۳۹۰ سهم زنان در اشتغال غیررسمی زیاد و بیشتر از مردان بوده است. بر مبنای این نتایج، شهری بودن، تحصیلات دانشگاهی و تأهل احتمال اشتغال غیررسمی زنان را کاهش می‌دهد.

فولی (۱۹۹۷) در مطالعه‌ای با استفاده از یک نظرسنجی طولی بین شهروندان روسیه نشان داد مدت بیکاری در بین زنان متأهل شاغل بیشتر از مردان متأهل شاغل است (Foley, 1997).

موکویاما و شاهین (۲۰۰۴) در مطالعه‌ای در خصوص علل افزایش طول مدت بیکاری در ایالات متحده آمریکا دریافتند متوسط مدت بیکاری در زنان بیشتر از مردان است، اما این تأثیر خیلی زیاد نیست و عوامل مؤثرتری مانند نابرابری دستمزد، تأثیرات بیشتری از جنسیت دارند (Mukoyama & Şahinm, 2004).

بر اساس نتایج مطالعه نوولا و دوویو (۲۰۱۵) در بلژیک، زنان بیکار خیلی سریع‌تر از مردان هم‌سن خود موفق به پیدا کردن کار می‌شوند؛ در حالی که در دوره ۲۰۰۲-۲۰۰۷، فقط زنان دارای تحصیلات عالی، نرخ خروج از بیکاری مشابه یا بیشتر از مردان داشتند. این مورد در دوره ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۴ برای زنان با تحصیلات متوسط و پایین نیز وجود داشت (به جز افراد دارای مدرک تحصیلی متوسطه اول). سیاست‌های دولتی در زمینه اشتغال کارگران کم‌مهارت، احتمالاً نقش مهمی در این تحول دارد.

تفاوت‌های منطقه‌ای از نظر جنسیت نیز وجود دارد. با اینکه زنان هنوز عملکرد ضعیف‌تری از مردان در والونیا و عملکرد بهتری از مردان در فلاندر دارند، در بروکسل، تفاوت چشمگیری بین زن و مرد وجود ندارد (Novella & Duvivier, 2015).

در مطالعه‌ی هاینز و همکاران (۲۰۱۱)، شواهد حاکی از آن بود که مدت بیکاری در مردان کوتاه‌تر از زنان است. حتی این آمار در مردان متأهل بیشتر می‌شود. همچنین نتایج تحقیق نشان‌دهنده‌ی آن است که زنان متأهلی که کودک زیر پنج سال دارند، بیکاری طولانی‌تری را تجربه می‌کنند (Haynes et al., 2011).

نتایج مطالعه‌ی لازارو، مولتو و سانچز که در سال ۲۰۰۰ در اسپانیا از طریق تجزیه و تحلیل اطلاعات نظرسنجی‌های خانوار صورت گرفت، نشان‌دهنده‌ی این بود که نرخ و ول مدت بیکاری در میان زنان بیشتر از مردان است (Lazaro et al., 2000).

بورا، گارسیا و ولاسکو (۲۰۰۷) گروهی از فارغ‌التحصیلان جوان را مطالعه کردند که مدرک دانشگاهی خود را در رشته‌های بازرگانی، اقتصاد، مدیریت و بازاریابی در سال تحصیلی ۲۰۰۱-۲۰۰۲ از دانشگاه سویل در کشور اسپانیا کسب کردند. هیچ تأثیر قابل توجهی برای جنسیت در رابطه با مدت بیکاری مشاهده نشد (Borra et al., 2009).

کوپت (۲۰۰۶) به‌عنوان اولین نفر در اوکراین به بررسی عوامل تعیین‌کننده‌ی مدت بیکاری در این کشور پرداخت و برای این کار از نظرسنجی نظارت طولانی اوکراین (ULMS) در بازه‌ی سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۲ استفاده کرد. نتایج مطالعه‌ی او حاکی از آن بود که زنان بیکاری طولانی‌تری را در مقایسه با مردان پشت سر می‌گذارند (Kupets, 2006).

بواتنگ (۲۰۱۴) در مطالعه‌ای در غنا دریافت به‌دلیل رشد سرمایه‌گذاری‌ها و کارآفرینی‌های مختلف، اشتغال در این کشور رشد مناسبی داشته است. او همچنین عوامل تعیین‌کننده‌ی طول مدت بیکاری را نیز بررسی کرد و به این نتیجه رسید که مدت بیکاری در زنان بیشتر از مردان است (Boateng, 2014).

دانسیکا و پالیو پوپا (۲۰۱۷) در مطالعه‌ای در رومانی، با استفاده از داده‌های آژانس ملی اشتغال رومانی، به بررسی عوامل تعیین‌کننده‌ی مدت بیکاری پرداختند. براساس نتایج، احتمال خروج زنان از بیکاری ۱۴ درصد کمتر از مردان است. شکاف جنسیتی طول دوره‌ی بیکاری در میان زنان دارای سطح تحصیلات کم، بیشتر است. همچنین بر مبنای نتایج این پژوهش، پیشنهاد شد سیاست‌های رومانی در مورد کاهش طول دوره‌ی بیکاری و بهبود اشتغال معطوف به افراد بالای ۳۵ سال و به‌ویژه برای زنان باشد. همچنین پیشنهاد دیگر برای سیاست‌گذاران این است که آموزش نیروی کار افزایش یابد.

سیوکا و متای (۲۰۱۱) طی مطالعه‌ای در رومانی نشان دادند نرخ‌های بقای بیکاری، تحت تأثیر سن، تحصیلات و جنسیت است و همچنین هر منطقه تابع بقای متفاوتی دارد. براساس تحلیل‌های انجام‌شده در این تحقیق، اشخاص بیکار، با آموزش طولانی‌تر سودی از بازار کار نمی‌برند. به‌علاوه بین مدت بیکاری زنان و مردان تفاوت‌های جدی وجود ندارد. افراد بیکار ۳۶-۴۵ و ۴۶-۵۵ سال (به‌دلیل عدم انطباق با شرایط بازار کار) احتمال بیشتری دارد که بیکار بمانند.

تانزل^۱ و تاچی^۲ (۲۰۱۰) در مطالعه‌ای در ترکیه، تعیین‌کننده‌های احتمال ترک بیکاری و دریافت شغل یا نرخ احتمال را تحلیل کردند. در این تحقیق، تأثیرات خصوصیات شخصی و خانوادگی و شرایط بازار کار بررسی شد. نتایج نشان داد احتمالات خروج از بیکاری و دستیابی به اشتغال برای زنان اساساً کمتر از مردان است. به‌علاوه، احتمال یافتن شغل برای مردان و زنان با سطح تحصیلات افزایش و با سن کاهش می‌یابد.

گارسیا^۳ (۲۰۱۷) با استفاده از داده‌های اداره امنیت اجتماعی اسپانیا طی دوره ۲۰۰۲-۲۰۱۳، به بررسی تفاوت‌های بین مردان و زنان بیکار در احتمال پیدا کردن شغل پرداخت. براساس نتایج، متوسط مدت بیکاری برای زنان به‌طور معنی‌داری بیشتر از مردان است، برخی از خصوصیات زنان (سطح تحصیلات) و شغل (اندازه شرکت، شغل غیردستی) به کاهش این نابرابری جنسیتی کمک می‌کند. میزان یافتن شغل و ثبات شغلی برای مردان بیشتر از زنان است که احتمالاً با نوع مشاغل مردان ارتباط دارد. درحالی‌که تحصیلات بالاتر به‌ویژه زنان را از بیکاری محافظت می‌کند، داشتن فرزند، اشتغال زنان و دستمزد اولیه آن‌ها پس از بیکاری را مختل می‌سازد. شکاف‌های جنسیتی اندکی در بخش دولتی وجود دارد؛ زیرا زنان تمایل دارند بیشتر بر کارهایی که نیاز به مدارک عالی دارند متمرکز شوند تا اینکه در شرکت‌های کوچک و شرکت‌های فناوری محور مشغول به کار شوند.

۳. روش‌شناسی پژوهش

این مطالعه به بررسی برخی عوامل فردی مؤثر بر مدت بیکاری کارجویان زن و مرد مراجعه‌کننده به مراکز کاریابی سراسر کشور می‌پردازد. جامعه آماری آن شامل کلیه جویندگان کار ۱۵ تا ۴۵ ساله مراجعه‌کننده به کاریابی‌های سراسر کشور، از ابتدای سال ۱۳۹۲ تا پایان مهرماه سال ۱۳۹۸ است. مطالعه حاضر از نوع تحلیل ثانویه است که با کمک روش‌های تحلیل سابقه رخداد واقع یا تحلیل بقا و با استفاده از بسته آماری R انجام می‌گیرد.

1. Tansel
2. Taşçi
3. García

۳-۱. داده‌های پژوهش

داده‌های مربوط به کارجویان ۳۱ استان کشور طی سال‌های ۱۳۹۲ تا پایان مهر ۱۳۹۸ که به کاربایی‌های سراسر کشور مراجعه کرده بودند استفاده و تحلیل می‌شود. این داده‌ها از سال ۱۳۹۲ با مدیریت و هدایت دفتر هدایت نیروی کار و کاربایی‌های وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، با همکاری کاربایی‌های سراسر کشور جمع‌آوری شده است. ابتدا اطلاعات افراد جویای کار مراجعه‌کننده به مراکز کاربایی در سراسر کشور، براساس پرسشنامه‌ای یکسان از کارجویان اخذ و در سامانه کاربایی ثبت می‌شود. این اطلاعات پس از پایش، به پایگاه داده‌های سراسری انتقال می‌یابد. شایان ذکر است در این پایگاه، به‌طور میانگین (از سال ۱۳۹۲ به بعد) سالانه بین ۴۰۰ تا ۵۰۰ هزار رکورد از افراد جویای کار سراسر کشور داده ثبت شده است. در این پایگاه داده، تاریخ ثبت نام کارجویان و زمان اشتغال به کار آن‌ها (در صورت اشتغال) ثبت شده است. همچنین نوع مهارت، مدرک تحصیلی، وضعیت تأهل، سابقه اشتغال، وضعیت سلامت، مشمولیت دریافت یا عدم دریافت بیمه بیکاری، استان محل سکونت و تاریخ تولد افراد براساس کد ملی، قید شده است.

در این مطالعه، به‌منظور پالایش و همگن‌ساختن داده‌ها، افرادی که دارای اطلاعات ناقص بودند یا در رده سنی قبل از ۱۵ سال یا بعد از ۴۵ سال قرار داشتند، با توجه به دامنه سنی افراد مورد مطالعه حذف شدند. با وجود این برآورد می‌شد حدود دو میلیون رکورد در این مطالعه استفاده و ارزیابی شود.

۳-۲. روش تحلیل داده‌ها

همان‌گونه که پیش‌تر نیز مطرح شد، در این مطالعه به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از تحلیل سابقه رخداد واقعه یا تحلیل بقا استفاده شد. تحلیل بقا مجموعه‌ای از روش‌های آماری تحلیل داده است که در آن‌ها متغیر مطلوب، زمان وقوع یک پدیده است. به عبارت دیگر تحلیل بقا مجموعه‌ای از روش‌های آماری برای تحلیل داده‌هایی است که متغیر پیامد، مدت تا رخداد یک پیشامد خاص است. منظور از زمان در تحلیل بقا می‌تواند تعداد سال‌ها، ماه‌ها، هفته‌ها یا روزها از شروع پیگیری یک فرد تا رخداد پیشامد مورد نظر برای او باشد. معمولاً داده‌های بقا دارای توزیع نرمال نیستند و نمی‌توان از روش‌های معمول آماری به تجزیه و تحلیل آن‌ها پرداخت. هرچند این مشکل را با انجام بعضی از تبدیل‌ها می‌توان حل کرد، وجود داده‌های سانسور شده ما را ناگزیر از استفاده از روش‌های تحلیل بقا می‌کند. این روش‌ها می‌توانند به‌صورت مدل‌های ناپارامتری، نیمه‌پارامتری یا پارامتری باشند. در مدل‌های ناپارامتری می‌توان از روش‌های جدول عمر و کاپلان میر و در مدل نیمه‌پارامتری می‌توان از رگرسیون کاکس استفاده کرد. همچنین در روش‌های پارامتری، استفاده از توزیع‌های وایبل، لگ

نرمال، لگ لجستیک و مدل نمایی امکان پذیر است. به علاوه اینکه متغیرهای وابسته به زمان نیز از مواردی است که در تحلیل بقا بررسی می شود (Kleinbaum & Klein, 2016). ویژگی خاص تحلیل بقا این است که با داده های سانسور شده وفق دارد و از این رو از اطلاعات موردهایی که در زمان ارزیابی هنوز زنده هستند استفاده می کند (Kleinbaum & Klein, 2016).

در مجموع می توان گفت تحلیل بقا دو ویژگی اصلی دارد؛ برای مثال در این پژوهش، اول اینکه متغیر پاسخ این مدل «زمان تا پیدا کردن کار» است. ولی ویژگی دوم این تحلیل آن است که این رخداد ممکن است برای همه افراد اتفاق نیفتد. در اصطلاح می گوئیم این اشخاص که رخداد را تجربه نکرده اند سانسور شده اند. مدل بقا هم زمان دو ویژگی را با هم در نظر می گیرد. به عبارت دیگر در این روش تحلیل آماری، زمان را تا پیدا کردن کار برای کارجویانی که مشغول به کار می شوند و برای کسانی که تا پایان دوره مورد مطالعه شغل پیدا نمی کنند، هم زمان محاسبه می کنند. به همین دلیل دقیق تر از مدل تحلیل واریانس است؛ زیرا اطلاعات بیشتری را در خود دارد.

در پژوهش حاضر، تابع بقا نشان می دهد چه سهمی از افرادی که بیکار هستند، با گذشت زمان بیکار باقی می مانند. همچنین تابع بقا، فرصت دستیابی به شغل را در زمان t به شرط بقا در آن زمان ارزیابی می کند.

۳-۳. شاخص ها و مدل های آماری مورد استفاده در تجزیه و تحلیل داده ها

به منظور بررسی توزیع متغیرها از شاخص های توصیفی مانند درصد و تعداد و شاخص میانگین طول دوره بیکاری به کارگماردگان استفاده شد. برای مقایسه احتمال بقای بیکاری در گروه های مختلف متغیرهای مستقل نیز از برآوردگر کاپلان میر بهره گرفته شد. در نهایت، بررسی اثر هم زمان متغیرهای مستقل بر طول دوره بیکاری به کمک مدل های نیمه پارامتری و پارامتری تحلیل پیشینه بقا و با کمک نرم افزار آماری R صورت گرفت. با توجه به اینکه رایج ترین مدل برای تحلیل داده های بقا کاکس است، ابتدا از مدل کاکس استفاده کردیم، اما به این دلیل که تعداد داده ها خیلی زیاد بود، پیش فرض اصلی مدل که فرض متناسب بودن نرخ خطر^۱ است، برقرار نشد. از این رو مدل های پارامتریک مانند وایبل، نمایی، لگ نرمال و لگ لجستیک برازش داده شد که در نهایت با توجه به مقایسه نتایج برازش مدل های فوق، مدل لگ نرمال را به عنوان مدل نهایی انتخاب کردیم.

۴. یافته های پژوهش

از مجموع ۱,۷۷۹,۶۸۱ کارجوی مورد مطالعه، ۶۳/۷۲ درصد معادل ۱,۱۳۴,۰۳۵ نفر را مردان و

۳۶/۲۸ درصد معادل ۶۴۵،۶۴۶ نفر را زنان تشکیل داده‌اند. این آمار نشانگر این است که فقط کمی بیش از یک‌سوم کارجویان را زنان تشکیل داده‌اند و حدود دوسوم کارجویان را مردان به خود اختصاص داده‌اند؛ بنابراین می‌توان گفت جمعیت کارجویان مرد مورد مطالعه، دو برابر زنان است. همان‌گونه که در جدول ۱ قابل مشاهده است، از مجموع کل کارجویان مورد مطالعه، ۱۰/۷ درصد از مردان و ۹/۶ درصد زنان، موفق به یافتن شغل شده‌اند. همچنین ۷ درصد کارجویان در گروه سنی ۲۰ تا ۲۴ سال، ۲۸/۳ درصد در گروه سنی ۲۵ تا ۲۹ سال، ۳۴/۳ درصد در گروه سنی ۳۰ تا ۳۴ سال، ۲۰/۲ درصد در گروه سنی ۳۵ تا ۳۹ سال و ۱۰/۲ درصد در گروه سنی ۴۰ تا ۴۴ سال قرار دارند؛ بنابراین بیشترین فراوانی مربوط به گروه سنی ۳۰ تا ۳۴ سال با حدود ۳۴/۳ درصد کل افراد مورد مطالعه و کمترین فراوانی مربوط به گروه سنی ۲۰ تا ۲۴ سال با حدود ۷ درصد است. ۱۰ درصد افراد ۲۰-۲۴ ساله، ۱۱ درصد افراد ۲۵-۲۹ ساله، ۱۰/۷ درصد افراد ۳۰-۳۴ ساله، ۹/۹ درصد افراد ۳۵-۳۹ ساله و ۸/۶ درصد افراد ۴۰-۴۴ ساله موفق به کاریابی شده‌اند که این آمار نشان می‌دهد بیشترین درصد به کارگمردگان، مربوط به گروه سنی ۲۵ تا ۲۹ سال با ۱۱ درصد است. براساس خروجی جدول ۱، حدود ۴۸/۵ درصد کارجویان مورد مطالعه مجرد، ۵۱ درصد متأهل و ۰/۵ درصد مطلقه و بیوه‌اند که از این تعداد، ۹/۵ درصد افراد مجرد، ۱۱/۱ درصد افراد متأهل و ۶/۱ درصد افراد مطلقه و بیوه موفق به یافتن شغل شده‌اند. این آمار نشان از اقبال بیشتر افراد متأهل به یافتن شغل در مقایسه با افراد مجرد، مطلقه و بیوه دارد. از مجموع کل کارجویان مورد مطالعه، ۴/۷ درصد آن‌ها بی‌سواد و دارای مدرک غیررسمی، ۱۵/۵ درصد دارای تحصیلات ابتدایی و راهنمایی، ۳۲/۸ درصد دارای تحصیلات متوسطه، دیپلم، پیش‌دانشگاهی و حوزوی، ۹/۶ درصد کاردانی، ۳۱ درصد کارشناسی و ۶/۳ درصد کارشناسی ارشد و دکتری بوده‌اند. همچنین ۵/۵ درصد افراد بی‌سواد و دارای مدرک غیررسمی، ۹/۹ درصد دارای تحصیلات ابتدایی و راهنمایی، ۱۲/۴ درصد کارجویان متوسطه، دیپلم، پیش‌دانشگاهی و حوزوی ۱۰/۶ درصد کاردانی، ۹/۴ درصد کارجویان کارشناسی و ۶/۷ درصد کارشناسی ارشد و دکتری، موفق به دریافت شغل شده‌اند. این آمار گویای آن است که بیشترین درصد فراوانی، با ۳۲/۸ درصد مربوط به کارجویان با سطح تحصیلات متوسطه، دیپلم، پیش‌دانشگاهی و حوزوی است. همچنین بیشترین درصد اشتغال‌یافتگان با ۱۲/۴ درصد مربوط به کارجویان همین گروه تحصیلی است.

براساس نتایج جدول ۱، میانگین دوره بیکاری زنان مشغول به کار شده ۳۱۸ روز و میانگین طول دوره بیکاری مردان مشغول به کار شده ۳۰۹ روز است که نشان می‌دهد میانگین طول دوره بیکاری زنان اندکی بیشتر از مردان است. کمترین میانگین طول دوره بیکاری در بین گروه‌های سنی مورد

مطالعه، مربوط به گروه سنی ۲۰ تا ۲۴ سال با ۲۷۷ روز و بیشترین آن مربوط به گروه سنی ۳۵ تا ۳۹ سال با ۳۹۱ روز است. افراد مجرد و متأهل با ۳۹۷ و ۳۹۸ روز دارای طول دوره بیکاری یکسانی هستند. اما افراد مطلقه و بیوه با ۱۴۳ روز، کمتر از نصف میانگین دوره بیکاری مجردها و متأهلها را تجربه کرده‌اند. همچنین کمترین میانگین طول دوره بیکاری مربوط به کارجویان با سطح تحصیلی متوسطه، دیپلم، پیش‌دانشگاهی و حوزوی با ۳۰۴ روز و بیشترین میانگین طول دوره بیکاری، مربوط به گروه تحصیلی کارشناسی با ۳۲۴ روز است.

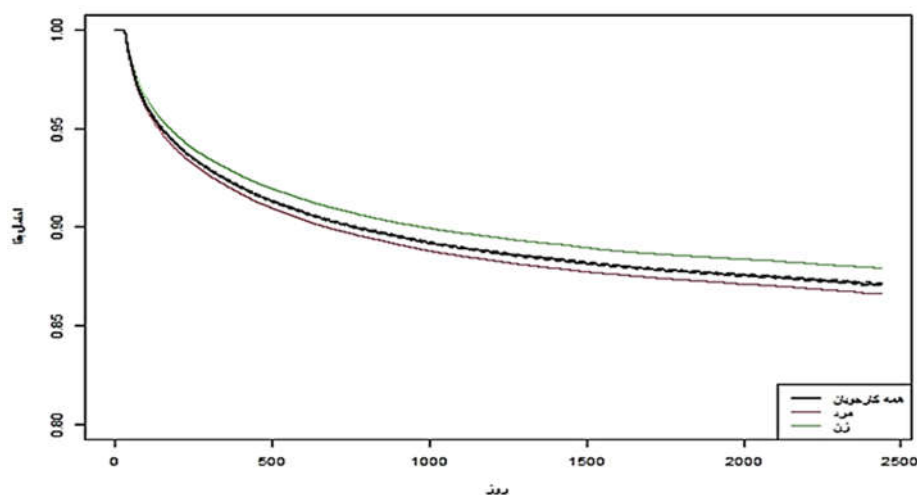
جدول ۱. آمار توصیفی درصد فراوانی، درصد اشتغال به کار و میانگین طول دوره بیکاری کارجویان ۲۰ تا ۴۵ ساله مراجعه‌کننده به مراکز کارپابی سراسر کشور طی سال‌های ۱۳۹۲ تا مهرماه ۱۳۹۸ به تفکیک جنس، سن، وضعیت تأهل و سطح تحصیلات

شاخص‌های آماری	ویژگی‌ها	درصد فراوانی	درصد اشتغال	میانگین طول دوره بیکاری (برحسب روز)
جنس	زن	۳۶,۲۸	۹,۶	۳۱۸
	مرد	۶۳,۷۲	۱۰,۷	۳۱۰
سن	۲۰ تا ۲۴ سال	۶,۹۹	۱۰	۲۷۷
	۲۵ تا ۲۹ سال	۲۸,۳۱	۱۱	۳۵۰
	۳۰ تا ۳۴ سال	۳۴,۲۶	۱۰,۷	۳۷۸
	۳۵ تا ۳۹ سال	۲۰,۲۳	۹,۹	۳۹۱
	۴۰ تا ۴۴ سال	۱۰,۲۱	۸,۶	۳۷۸
وضعیت تأهل	مجرد	۴۸,۵	۹,۵	۳۶۷
	متأهل	۵۱	۱۱,۱	۳۶۸
	سایر (مطلقه و بیوه)	۰,۵	۶,۱	۱۴۳
سطح تحصیلات	بی‌سواد و غیررسمی	۴,۷	۵,۵	۳۰۸
	ابتدایی و راهنمایی	۱۵,۵	۹,۹	۳۱۱
	متوسطه، دیپلم، پیش‌دانشگاهی و حوزوی	۳۲,۸	۱۲,۴	۳۰۴
	کاردانی	۹,۶	۱۰,۶	۳۱۴
	کارشناسی	۳۱	۹,۴	۳۲۴
	کارشناسی ارشد و دکتری	۶,۳	۶,۷	۳۰۹

۴-۱. مدت بیکاری کارجویان بر حسب جنس

جدول ۲ حاکی از آن است که خطر بیکارماندن زنان و مردان در شرایط یکسان با هم برابر است. به

عبارت دیگر زنان و مردان از شانس مساوی برای دریافت شغل و خروج از بیکاری برخوردار هستند. از طرفی، منحنی کاپلان میر در شکل ۱ بیانگر این است که خطر بقای بیکاری در میان زنان بیشتر از مردان است؛ یعنی دوره بیکاری زنان بیشتر از مردان و شانس خروج از بیکاری آنان کمتر است. براین اساس، به نظر می‌رسد زنان به‌عنوان نیمی از افراد جامعه، علی‌رغم پیشرفت‌های حاصل‌شده در زمینه افزایش چشمگیر تعداد آنان در مقاطع تحصیلی دانشگاهی، همچنان در مقایسه با مردان از شرایط مساوی برای یافتن شغل برخوردار نیستند. این در حالی است که خیل عظیمی از زنان فارغ‌التحصیل، به‌دلیل مردمحوربودن بازار کار ایران، جویای کار نمی‌شوند و جزو جمعیت غیرفعال به‌حساب می‌آیند؛ بنابراین ضرورت دارد در مناطق مختلف کشور، فرصت‌های برابر برای اشتغال زنان همپای مردان ایجاد شود. این موضوع با گذشت زمان و با ورود نسل‌های جوان‌تر زنان در سال‌های آینده و میل به مشارکت اقتصادی بیشتر در بین آنان، حادث‌تر نیز می‌شود؛ بنابراین توجه به اشتغال زنان و محدودیت‌های تنوع شغلی آنان در زمان بازبینی و تدوین سیاست‌های اشتغال، ضرورتی انکارناپذیر است.

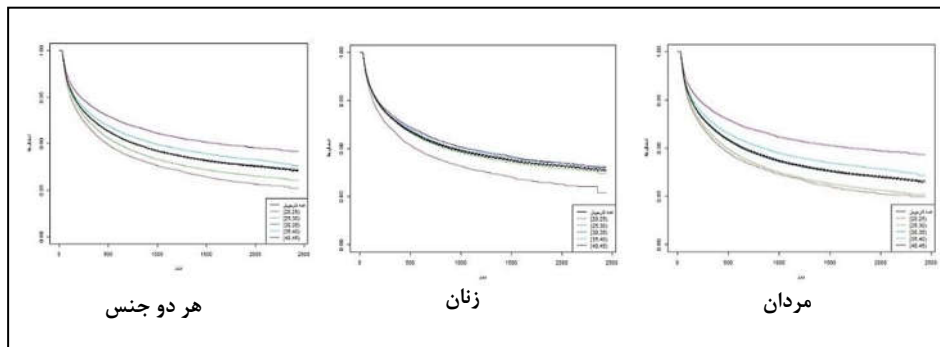


شکل ۱. برآوردگر کاپلان میر؛ تابع بقای بیکاری کارجویان ۲۰ تا ۴۵ ساله مراجعه‌کننده به مراکز کاریابی سراسر کشور طی سال‌های ۱۳۹۲ تا مهر ۱۳۹۸ برحسب جنسیت

۴-۲. مدت بیکاری کارجویان برحسب سن

براساس خروجی جدول ۲، خطر بیکارماندن افراد ۲۰ تا ۲۵ ساله با افراد ۲۵ تا ۳۰ ساله یکسان است.

همچنین خطر بیکارماندن افراد ۳۰ تا ۳۵ ساله ۱/۱ برابر افراد ۲۰ تا ۲۵ ساله و خطر بیکارماندن افراد ۳۵ تا ۴۰ سال ۱/۲ برابر افراد ۲۰ تا ۲۵ ساله است. خطر بیکارماندن افراد ۴۰ تا ۴۵ ساله ۱/۴ برابر افراد ۲۰ تا ۲۵ ساله است. همچنین همان‌طور که در منحنی کاپلان میر مربوط به همه کارجویان در شکل ۲ مشاهده می‌شود، بین گروه‌های مختلف سنی در میزان بقا در بیکاری تفاوت وجود دارد؛ به‌نحوی که گروه ۲۰ تا ۲۴ سال کمترین میزان بقا در بیکاری و بیشترین میزان کاریابی موفق و گروه ۴۰ تا ۴۵ سال بیشترین میزان بقا در بیکاری و کمترین میزان کاریابی را داشته‌اند.



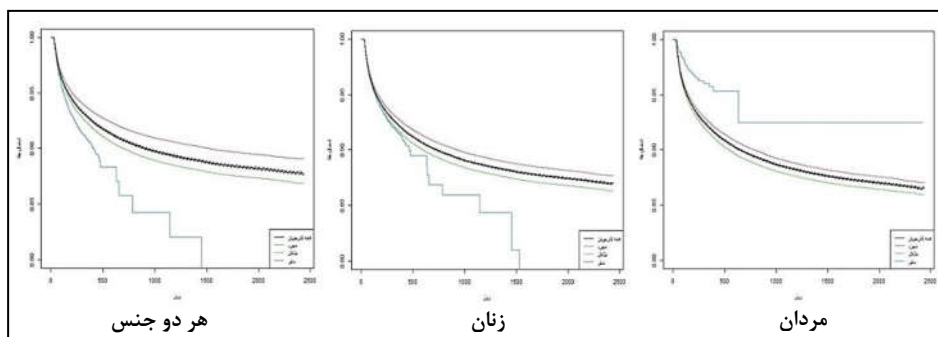
شکل ۲. برآوردگر کاپلان میر؛ تابع بقای بیکاری کارجویان ۲۰ تا ۴۵ ساله مراجعه‌کننده به مراکز کاریابی سراسر کشور طی سال‌های ۱۳۹۲ تا مهر ۱۳۹۸ برحسب گروه سنی به تفکیک مردان، زنان و کل کارجویان

مقایسه نمودار کاپلان میر اثر سن بر طول دوره بیکاری به تفکیک زنان و مردان گویای آن است که فقط زنان ۲۰ تا ۲۴ ساله دوره بیکاری کوتاه‌تری از میانگین همه گروه‌ها دارند و سایر گروه‌ها حول و حوش میانگین کل و در یک سطح قرار گرفته‌اند، اما در مردان شرایط متفاوت است و خطر بقا در بیکاری دو گروه ۲۰ تا ۲۴ سال و ۲۵ تا ۲۹ سال کمتر از میانگین کل و خطر بقای بیکاری دو گروه ۳۵ تا ۳۹ سال و ۴۰ تا ۴۴ سال بیشتر از میانگین کل مردان است. از این‌رو به‌نظر می‌رسد اثر افزایش سن بر افزایش بقای بیکاری در مردان محسوس‌تر از زنان است؛ زیرا خطر بقای بیکاری در زنان ۲۵ تا ۴۴ ساله تقریباً یکسان است و تفاوت معناداری را نشان نمی‌دهد.

۳-۴. مدت بیکاری کارجویان بر حسب وضعیت تأهل

همان‌گونه که در جدول ۲ قابل مشاهده است، خطر بیکارماندن افراد مجرد ۱/۱ برابر افراد متأهل و ۱/۸ برابر افراد مطلقه و بیوه است. به عبارت دیگر شانس کاریابی افراد متأهل، مطلقه و بیوه بیشتر از

مجردها است. همچنین منحنی کاپلان میر (شکل ۳) نشان‌دهنده تفاوت بین گروه‌های مختلف از نظر احتمال کاریابی موفق است. در این میان، مجردها بیشترین میزان بقای بیکاری و کمترین میزان کاریابی موفق، و افراد مطلقه و بیوه کمترین میزان بقای بیکاری و بیشترین شانس کاریابی را دارند.



شکل ۳. برآوردگر کاپلان میر؛ تابع بقای بیکاری کارجویان ۲۰ تا ۴۵ ساله مراجعه‌کننده به مراکز کاریابی سراسر کشور طی سال‌های ۱۳۹۲ تا مهرماه ۱۳۹۸ برحسب وضعیت تأهل به تفکیک مردان، زنان و کل کارجویان

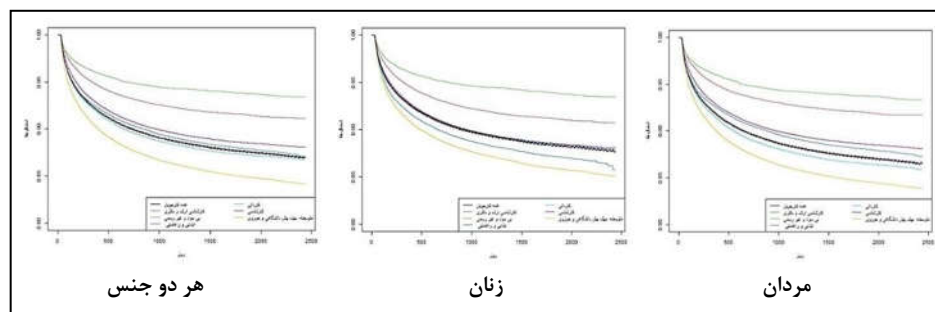
مقایسه نمودار کپلان میر مربوط به اثر تأهل بر طول دوره بیکاری به تفکیک زنان و مردان نشانگر این است که در هر دو گروه، خطر بقای بیکاری مجردها بیشتر از افراد متأهل است. اما خطر بقای بیکاری مردان مطلقه و بیوه، بیشتر از مردان مجرد و متأهل است؛ درحالی‌که زنان مطلقه و بیوه برخلاف مردان مطلقه و بیوه، دوره بیکاری کوتاه‌تری از زنان مجرد و متأهل دارند که این موضوع نشان از شرایط متفاوت زنان مطلقه و بیوه با مردان مطلقه و بیوه دارد؛ به‌طوری‌که به‌نظر می‌رسد زنان مطلقه و بیوه به‌دلیل وضعیت ضعیف اقتصادی و عدم تمکن مالی، حاضر به پذیرش هر شغلی با هر سطح از درآمد هستند. این امر می‌تواند یکی از دلایل کوتاه‌تر بودن طول دوره بیکاری زنان مطلقه و بیوه در مقایسه با زنان مجرد و متأهل و به‌ویژه مردان مطلقه و بیوه باشد که با نظریه جست‌وجوی شغل منطبق است.

۴-۴. مدت بیکاری کارجویان بر حسب سطح تحصیلات

خروجی جدول ۲ در بخش سطح تحصیلات، نشانگر این است که احتمال بیکارماندن برای کارجویان بی‌سواد و دارای مدرک غیررسمی ۱/۷ برابر کارشناسی ارشد و دکتری، ۳ برابر کارشناسی، ۳/۹ برابر کاردانی، ۶ برابر متوسطه، پیش‌دانشگاهی، دیپلم و حوزوی و ۴/۵ برابر ابتدایی و راهنمایی است. به عبارت دیگر احتمال بیکارماندن کارجویان ابتدایی و راهنمایی و نیز کارجویان دارای تحصیلات

متوسطه، پیش‌دانشگاهی، دیپلم و حوزوی به ترتیب ۰/۲۲ و ۰/۱۶ برابر کارجویان بی‌سواد و دارای مدرک غیررسمی است. همچنین احتمال بیکارماندن کارجویان دارای سطح تحصیلات کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری به ترتیب ۰/۲۵، ۰/۳۲ و ۰/۵۷ برابر کارجویان بی‌سواد و دارای مدرک غیررسمی است. همچنین خروجی برآوردگر کاپلان میر نشانگر این است که احتمال کاربایی گروه‌های مختلف تحصیلی کاملاً با هم متفاوت است. براین اساس کمترین احتمال بیکارماندن و بیشترین احتمال خروج از بیکاری مربوط به کارجویان با سطح تحصیلات متوسطه، دیپلم، پیش‌دانشگاهی و حوزوی و بیشترین احتمال بیکارماندن و کمترین احتمال خروج از بیکاری مربوط به گروه بی‌سواد و غیررسمی است.

مقایسه نمودار کپلان میر اثر سطح تحصیلات بر احتمال بقای بیکاری در بین زنان و مردان حاکی از آن است که الگوی طول دوره بیکاری زنان برحسب سطح تحصیلات، تا حدودی متفاوت با مردان است. در زنان مانند مردان، افراد دارای سطح تحصیلات متوسطه، دیپلم، پیش‌دانشگاهی و حوزوی، کمترین احتمال بیکارماندن را داشته‌اند، اما بعد از آن زنان دارای تحصیلات ابتدایی و راهنمایی کمترین احتمال بقای بیکاری را به خود اختصاص داده‌اند؛ درحالی‌که در گروه مردان، بعد از کارجویان متوسطه، دیپلم، پیش‌دانشگاهی و حوزوی، کارجویان دارای مدرک کاردانی، کمترین احتمال بقای بیکاری را دارند. در گروه زنان، کارجویان دارای مدرک کاردانی و کارشناسی تقریباً در یک سطح قرار دارند، اما در گروه مردان، احتمال بقای بیکاری کارجویان دارای مدرک کارشناسی و کارجویان ابتدایی و راهنمایی بیشتر از میانگین کل کارجویان است. در هر دو گروه نیز بیشترین احتمال بقای بیکاری به ترتیب مربوط به گروه کارجویان بی‌سواد و غیررسمی و بعد از آن کارجویان کارشناسی ارشد و دکتری است.



شکل ۴. برآوردگر کاپلان میر؛ تابع بقای بیکاری کارجویان ۲۰ تا ۴۵ ساله مراجعه‌کننده به مراکز کاربایی سراسر کشور طی سال‌های ۱۳۹۲ تا مهر ۱۳۹۸ برحسب سطح تحصیلات به تفکیک مردان، زنان و کل کارجویان

جدول ۲. نسبت احتمال بیکارماندن کارجویان ۲۰ تا ۴۵ ساله مراجعه‌کننده به مراکز کاریابی سراسر کشور طی سال‌های ۱۳۹۲ تا مهر ۱۳۹۸ برحسب سن، جنس، وضعیت تأهل و سطح تحصیلات براساس خروجی روش پارامتریک لگ نرمال

شاخص‌های آماری	ویژگی‌ها	HR	Coef	SE	z value	p value	Exp(-coef)
سطح تحصیلات	ابتدایی و راهنمایی	۰/۲۲۴	۱/۴۹۵-	۰/۰۲۸	۵۳/۶۵۶-	۰/۰۰۱>	۴/۴۵۷
	متوسطه، پیش‌دانشگاهی، دیپلم و حوزوی	۰/۱۶۸	۱/۷۸۲-	۰/۰۲۶	۶۷/۶۶۱-	۰/۰۰۱>	۵/۹۴۳
	کاردانی	۰/۲۵۸	۱/۳۵۵-	۰/۰۲۹	۴۶/۵۳۲-	۰/۰۰۱>	۳/۸۷۶
	کارشناسی	۰/۳۲۵	۱/۱۲۵-	۰/۰۲۷	۴۲/۰۰۷-	۰/۰۰۱>	۳/۰۸۲
	ارشد و دکتری	۰/۵۷۲	۰/۵۵۹-	۰/۰۳۳	۱۷/۰۴۹-	۰/۰۰۱>	۱/۷۴۹
جنسیت	زن	۱/۰۲۶	۰/۰۲۵	۰/۰۱۰	۲/۴۹۲	۰/۰۱۳	۰/۹۷۵
سن	۲۵ تا ۲۹ سال	۱/۰۱۷	۰/۰۱۷	۰/۰۲۰	۰/۸۷۲	۰/۳۸۳	۰/۹۸۳
	۳۰ تا ۳۴ سال	۱/۱۱۰	۰/۱۰۴	۰/۰۲۰	۵/۲۶۴	۰/۰۰۱>	۰/۹۰۱
	۳۵ تا ۳۹ سال	۱/۲۰۴	۰/۱۸۶	۰/۰۲۱	۸/۷۹۲	۰/۰۰۱>	۰/۸۳۰
	۴۰ تا ۴۴ سال	۱/۴۳۴	۰/۳۶۰	۰/۰۲۴	۱۴/۹۰۴	۰/۰۰۱>	۰/۶۹۸
وضعیت تأهل	متاهل	۰/۹۰۱	۰/۱۰۴-	۰/۰۱۰	۱۰/۳۷۵-	۰/۰۰۱>	۱/۱۱۰
	سایر	۰/۵۶۳	۰/۵۷۵-	۰/۰۸۲	۶/۹۸۵-	۰/۰۰۱>	۱/۷۷۸

۵. بحث

در این مطالعه، تأثیر برخی عوامل فردی شامل سن، جنس، سطح تحصیلات و وضعیت تأهل بر طول دوره بیکاری کارجویان زن و مرد مراجعه‌کننده به مراکز کاریابی سراسر کشور طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ بررسی شد.

یافته‌های این مطالعه حاکی از آن است که زنان دوره بیکاری طولانی‌تری از مردان دارند و در مقایسه با مردان شانس کمتری برای دستیابی به شغل دارند. در تبیین این یافته می‌توان گفت احتمالاً یکی از دلایل می‌تواند این باشد که برای مردان مشاغل بیشتری وجود دارد که با شرایط زنان تناسب ندارد. به عبارتی زنان با محدودیت تنوع شغلی مواجه هستند؛ برای نمونه در بیشتر کارهای ساختمانی کار برای زنان بسیار دشوارتر از مردان است و بنابراین فرصت اشتغال زنان کاهش می‌یابد. این به نوع شغل مربوط می‌شود. همچنین بسیاری از کارفرمایان مشاغل فیزیکی با یک یا دو کارگر تمایل دارند مردان را به خدمت بگیرند تا بتوانند از آن‌ها کار بیشتر و سنگین‌تری بکشند. تأهل و فرزندآوری و تربیت فرزندان توسط زنان نیز می‌تواند یکی از دلایل افزایش دوره بیکاری آنان باشد که این موضوع با توجه به نظریه‌های جنسیتی قابل توجیه است؛ چرا که نظریه‌های جنسیتی، به‌ویژه

با فرهنگ ایرانی، وظیفه اصلی زنان را عمدتاً تربیت و پرورش فرزندان می‌دانند. این در حالی است که در این فرهنگ، تأمین هزینه‌های خانوار برعهده مردان گذشته شده است. از این رو انتظار می‌رود تحمیل چنین وظیفه‌ای بر مردان سبب کاهش دوره بیکاری برای این گروه شود.

همچنین برمبنای یافته‌های این مطالعه، افراد جویای کار در گروه سنی ۲۰ تا ۲۴ سال در مقایسه با سایر گروه‌های سنی، از میانگین طول دوره بیکاری کمتر و شانس بیشتری برای دستیابی به شغل برخوردار هستند. البته در این زمینه، تفاوت‌هایی بین زنان و مردان وجود دارد؛ زیرا در مردان با افزایش سن، احتمال بیکارماندن به‌طور مستمر افزایش می‌یابد، ولی در زنان این روند از ۲۵ سالگی به بعد ثابت می‌ماند؛ بنابراین می‌توان گفت افزایش سن در بین کارجویان (به‌ویژه مردان) موجب افزایش احتمال بیکارماندن و کاهش احتمال خروج از بیکاری شده است. این یافته نیز به کمک نظریه جست‌وجوی شغل قابل تبیین است؛ زیرا افراد ۳۰ تا ۴۵ ساله احتمالاً به‌دلیل ارتقای تحصیلات و مهارت‌های خود، توقع شغل‌های پردرآمد دارند و همین امر سبب می‌شود که هر شغل با هر سطح از دستمزد را نپذیرند. به این ترتیب جست‌وجوی شغلی طولانی‌تر دارند و این موضوع موجب افزایش دوره بیکاری آنان می‌شود. موضوع دیگر اینکه در فاصله سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۸، جمعیت کشور تا حد بسیار زیادی جوان شده و ایران در زمره جوان‌ترین کشورهای دنیا درآمدی است. طی سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۸، شاهد رشد شگفت‌آور ۳/۹ درصدی جمعیت کشور در سال بودیم. این نرخ رشد، موجب پیدایش «انبوهه جمعیت» شد. انبوهه جمعیت مذکور که دامنه سنی آن حدود ۱۰ سال است، مانند موجی رده‌های سنی را طی کرده است (Farahani, 2002). اکنون این رده‌های سنی به دوران ۳۰ تا ۴۰ سالگی رسیده‌اند. به‌نظر می‌رسد به‌دلیل تعداد زیاد گروه‌های سنی ۳۰ تا ۳۴ و ۳۵ تا ۳۹، وضعیت اشتغال این افراد به مخاطره افتاده است. از این رو احتمالاً درصدی از افزایش طول دوره بیکاری در میان گروه‌های سنی ۳۰ تا ۳۴ و ۳۵ تا ۳۹ مربوط به تورم موالیید در دهه ۱۳۶۰ و نرخ رشد ۳/۹ درصدی آن دوران است.

در خصوص اثر تأهل بر طول دوره بیکاری، یافته‌ها حاکی از آن است که افراد متأهل، مطلقه و بیوه، دارای احتمال بقای بیکاری کمتری از مجردها هستند. به عبارت دیگر متأهل‌ها و همچنین افراد طلاق‌گرفته و بیوه، نسبت به افراد مشابه ولی مجرد شانس بیشتری برای خروج از بیکاری و کاریابی دارند. با توجه به شرایط اقتصادی امروز کشور، به‌نظر می‌رسد افراد متأهل، مطلقه و بیوه (به‌ویژه در بین زنان) به‌دلیل مسئولیت خانوادگی و بار تکفل، بیشتر از مجردها برای دریافت شغل، کسب درآمد و رفع مایحتاج خانواده تحت فشار هستند. از این رو معمولاً هر شغلی با هر سطح از دستمزد را می‌پذیرند. در مقابل، مجردها به‌دلیل داشتن فرصت کافی و خارج از فشارهای مالی، در خصوص پذیرش یا عدم پذیرش شغل پیشنهادشده تصمیم می‌گیرند و این امر ممکن است به

افزایش طول دوره بیکاری آنها در مقایسه با افراد متأهل منجر شود که این یافته با نظریه جست‌وجوی شغل منطبق است.

یافته‌های تحقیق در بخش سطح تحصیلات نشان داد کارجویان بی‌سواد و دارای مدارک غیررسمی، در مقایسه با سایر سطوح تحصیلی، از احتمال بقای بیکاری بیشتر و شانس کمتری برای خروج از بیکاری برخوردارند که این یافته براساس نظریه مهارت (تحصیل و آموزش) قابل تبیین است. براساس این نظریه، برنامه‌های آموزشی و مهارت‌ورزی سبب می‌شود شانس فرد جویای کار در یافتن شغل افزایش یابد. شرکت در برنامه‌های آموزشی می‌تواند علامت مثبت به کارفرمایان باشد و نااطمینانی درمورد قابلیت استخدامی متقاضیان شغل را نیز کاهش دهد.

براساس دیگر یافته‌های این مطالعه، افراد با سطح تحصیلات کارشناسی ارشد و دکتری در رده دوم بالاترین احتمال بیکاری قرار دارند. در عوض، شانس خروج از بیکاری برای تحصیلات متوسطه، دیپلم، پیش‌دانشگاهی و حوزوی در مقایسه با سایر سطوح تحصیلی بیشتر است؛ بنابراین به نظر می‌رسد بازار کار ایران، هنوز به مرحله‌ای از پیچیدگی و بلوغ نرسیده است که خواهان افراد با تحصیلات بالاتر از دیپلم در سطح وسیع باشد و به دلیل عدم نوآوری و رشد بسیار کند مشاغل مهارت‌محور، نیاز مهارتی بازار کار تقریباً در همان سطوح دیپلم و زیردیپلم برای اکثر مشاغل متوقف مانده است. نکته دیگر که می‌توان در این

بخش به‌عنوان یک خلأ از آن نام برد، تطابق نداشتن رشته‌های تحصیلی در مقاطع تحصیلی فوق‌دیپلم تا دکتری، با مهارت‌های مورد نیاز بازار کار ایران و نیز کیفیت پایین آموزش دانشگاهی در این سطوح است. از این مقوله تحت عنوان عدم تطابق مهارت‌های شغلی نام می‌برند. شایان توضیح است عدم تطابق مهارت‌ها توسط عوامل مختلف از جمله پیشرفت‌های فناوری تولید (برای مثال فناوری دیجیتال)، توسعه اقتصادی (برای نمونه تجدید ساختار صنعتی) یا تغییر و تحولات اجتماعی (مانند پدیده جمعیتی) ایجاد می‌شود (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۶). به نظر می‌رسد دلیل دیگر هم این است که اغلب افرادی که توسط کاربایی‌ها به کار گمارده می‌شوند، اشتغال به کار آنها در بنگاه‌های کوچک و متوسط انجام می‌گیرد و این بنگاه‌ها نیز با توجه به عدم نیاز به کارکنان تحصیل کرده، بیشتر به دنبال جذب افراد کم‌تحصیلات هستند.

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

براساس نتایج مطالعه حاضر، با عنوان «تحلیل وضعیت طول مدت بیکاری زنان و مردان جویای کار مراجعه‌کننده به مراکز کاربایی کشور در دوره ۱۳۹۸-۱۳۹۲» به نظر می‌رسد در فرایند سیاست‌گذاری

و مدیریت بازار کار ایران، توجه به تغییرات ساختار سنی و جنسی جمعیت، نیازمند اهتمام جدی است. زنان نیمی از جمعیت کشور هستند؛ بنابراین ضروری است استفاده از این ظرفیت، به‌ویژه در شرایط خروج از پنجره جمعیتی و نیز برنامه‌ریزی برای ایجاد اشتغال پایدار و کاهش مدت بیکاری، ضمن توجه به محدودیت تنوع شغلی و نقش آنان در تأهل و فرزندآوری و تربیت فرزندان، در اولویت قرار گیرد. همچنین با توجه به تطابق نداشتن آموزش‌های رسمی و رشته‌های تحصیلی با مهارت‌های شغلی مورد نیاز بازار کار ایران، سیاست‌های اصلاحی در این زمینه مورد تأکید است. درنهایت با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر، موارد زیر پیشنهاد می‌شود:

- سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و بسترسازی لازم به‌منظور ایجاد اشتغال پایدار و کاهش طول دوره بیکاری در بین زنان، با در نظر گرفتن محدودیت‌های شغلی و نقش آنان در تأهل و فرزندآوری و نیز تربیت فرزندان، به‌ویژه در حوزه مشاغل خدماتی انجام شود؛

- به‌منظور افزایش اشتغال و کاهش طول دوره بیکاری گروه‌های سنی ۳۰ تا ۳۴ سال، ۳۵ تا ۳۹ سال و ۴۰ تا ۴۴ سال، قانون‌گذاری‌های لازم و بسته‌های سیاستی و حمایتی اشتغال‌زا به‌صورت مجزا، با ردیف اعتباری مستقل در قانون بودجه سالیانه، به‌منظور اشتغال این سه گروه سنی و جلوگیری از غیرفعال شدن آن‌ها، کمک به تشکیل خانواده، کاهش سن ازدواج و ممانعت از تجرد قطعی آن‌ها، با قید فوریت در دستور کار مجلس شورای اسلامی، برنامه‌ریزان اقتصادی-اجتماعی و سیاست‌گذاران حوزه اشتغال کشور قرار گیرد؛

- سیاست‌گذاران حوزه اشتغال کشور با تعریف و تصویب یک بسته تشویقی، ضمن حمایت قانونی از اشتغال پایدار و ثبات شغلی زنان مطلقه و بیوه، کارفرمایان را مجاب‌کنند تا زمینه اشتغال افراد مجرد در سنین پایین‌تر تسهیل شود و از این طریق، زمینه لازم برای کاهش طول دوره بیکاری، کاهش سن ازدواج و نیز جلوگیری از افزایش بزهکاری در میان جوانان فراهم شود؛

- بررسی و ارزیابی میزان عدم تطابق نوع مهارت، سطح تحصیلات و نوع رشته تحصیلی با مهارت‌های شغلی مورد نیاز، مبتنی بر تغییرات حال و آینده بازار کار ایران از طریق ایجاد یک حلقه واسط بین مراکز آموزش عالی و بخش‌های صنعتی، کشاورزی و خدماتی با هدف شناسایی اولویت‌بندی نیازهای مهارتی و رشته‌های تحصیلی مورد نیاز و تهیه سرفصل‌ها و محتوی آموزش‌های مهارتی، به‌منظور تربیت نیروی ماهر و متخصص، با اولویت انجام پذیرد.

۷. تعارض منافع

این مقاله برگرفته از رساله دکتری آقای سعداله دارابی با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر طول دوره

بیکاری کارجویان ۳۰-۴۵ ساله مراجعه کننده به مراکز کاربایی سراسر کشور طی دوره ۱۳۹۲-۱۳۹۸» است و در آن هیچ گونه تعارض منافی وجود ندارد.

References

- Abdoli, G., & Varhrami, V. (2008). Investigation of factors affecting employment and willingness to work of married women in Tehran city with emphasis on economic variables. *Journal of Iran Demographic Society*, 4(7), 169-181. (In Persian)
- Alipour, M. S. (2017). The effect of higher education of rural women on employment in rural areas of Iran. *Journal of the Iranian Demographic Association*, 13(26), 67-88.
<https://dorl.net/dor/20.1001.1.1735000.1397.13.26.3.5> (In Persian)
- Boateng, W. (2014). Determinants of Unemployment in Ghana. *African Development Review* Ciuca, V., & Matei, M. (2011). Survival rates in unemployment. *International Journal Of Mathematical Models And Methods In Applied Sciences*, 5(2), 385-399. <https://doi.org/10.1111/1467-8268.12037>
- Dănăcică, D-E., & Paliu-Popa L. (2017). Determinants of unemployment spells and exit destinations in Romania in a competing-risks approach. *Economic Research-Ekonomska Istraživanja*, 30, 964-984.
<https://doi.org/10.1080/1331677X.2017.1314825>
- Faizpour, M. A., & Zare, G. (2013). Determining the effective factors on the unemployment period using the Cox proportional event model, a case study of Yazd city: 2014 to 2015. *Iran Economic Research*, 17(51), 113-135. (In Persian)
- Faizpour, M. A. (2009). The period of unemployment and the factors affecting it, evidence from unemployed jobseekers in Yazd province during the third development program. *Social Welfare Quarterly*, 10(39), 327-356. (In Persian)
- Farahani, H. (2002). study of the situation of population and employment in Iran. *Marafet*, 53. (In Persian)
- Foley, M. C. (1997). The Determinants of Unemployment Duration in Russia. *Working Paper Number 81*.
- García, A. N. (2017). Gender Differences in Unemployment Dynamics and Initial Wages over the Business Cycle, Luxembourg Institute of socio-Economic Research (LISER), Luxembourg.

- Hadian, E. (2013). Investigation of the effect of training of job seekers on the length of their unemployment period: the case study of Shiraz. *Journal of Economic Research*, 69, 217-238. (In Persian)
- Harandi, F., & Fallah Mohsen-Khani, Z. (2006). youth employment and its challenges. *Social Welfare*, 6(25), 133-146. (In Persian)
- Haynes, M. A., Higginson, A., Probert, W. J. M., & Boreham. P. (2011). *Social Determinants and Regional Disparity of Unemployment Duration in Australia: A Multilevel Approach*.
- Hosseini-Nasab, M. E., & Ahmadlou, R. (2012). Regional small-scale estimation and forecasting of the average duration of unemployment in Iran and the effect of the province on it using three-level models. *Journal of Advanced Mathematical Modeling*, 3(1), 101-121. (In Persian)
- Islamic Council Research Center, Assistance Economic Research Department, Economic Studies Office (2016). *Pathology of Iran's labor market policies and regulations, understanding the current state of the labor market with an emphasis on provincial differences*. (In Persian)
- Karimi Moghari, Z., & Jahan Tigh, E. (2013). Factors affecting the informal employment of young women in Iran. *Social-Psychological Studies of Women*, 40, 115-140. (In Persian)
- Kleinbaum, D. J., & Klein, M. (2016). Survival analysis tutorial. Translated by: A. R. Soltanian et al. Mashhad: Mashhad University of Medical Sciences. (In Persian)
- Kupets, O. (2006). Determinants of Unemployment Duration in Ukraine. *Journal of Comparative Economics*, 34, 228-247.
<https://doi.org/10.1016/j.jce.2006.02.006>
- Kupets, O. (2006). Determinants of unemployment duration in Ukraine. *Journal of Comparative Economics*, 34(2), 228-247.
<http://dx.doi.org/10.1016/j.jce.2006.02.006>
- Lázaro, N., Moltó, M. A. L., & Sánchez, R. (2000). Unemployment determinants for women in Spain. *Labour*, 14(1), 53-77.
<http://dx.doi.org/10.1111/1467-9914.00124>
- Mehrabani, V. (2014). Women's employment and fertility trends and population growth in Iran, *Journal of Iran Demographic Association*, 10(20), 72-94.
<https://dorl.net/dor/20.1001.1.1735000.1394.10.20.3.2> (In Persian)

- Mukoyama, T., & Şahin. A. (2004). *Why did the average duration of unemployment become so much longer?* Federal Reserve Bank of New York Staff Reports.
- Nahavandi, M., & Khaki-Najafabadi, A. (2009). Demographic analysis of unemployment of the active population in different provinces of the country based on the 1979 census. *Journal of the Iranian Demographic Society*, 4(7), 115-139. (In Persian)
- Novella, M. L., & Duvivier, M. (2015). The relationship between unemployment duration and education. *Federal Planning Bureau Working Paper*, 10-15. <https://doi.org/10.13140/RG.2.1.1095.7843>
- Nowrouzi, L. (2013). Gender differences in job structure. *Women's Research*, 2(1), 165-178. (In Persian)
- Pourkazemi, M. H. (2008). The situation of the graduates of humanities and social sciences of public universities finding their way to the labor market (entrance of the years 2014-2016). *Research and Planning in Higher Education*, 52, 127-150. (In Persian)
- Report of the first international workshop on labor market studies (2016). *Work and Society Monthly*, 20th year, number 208, September 2016. (In Persian)
- Sadeghi, R. (2011). Changes in the age structure and the emergence of the demographic window in Iran: economic consequences and policy requirements. *Scientific-Research Quarterly of Women's Strategic Studies (Former Women's Book)*, 14(55), 95-150. (In Persian)
- Sidaei, S. E., Bahari, E., & Zarei, A. (2011). *Investigating the employment and unemployment situation in Iran during the years 1956-2010*. *Development Strategy*, 25, 216-247. (In Persian)
- Strategic Information and Statistics Center of the Ministry of Cooperation, Labor and Social Welfare (2015). The situation of the unemployed according to the unemployment duration during 2015. *Iranian Labor Market Management Monthly*, 1(10), March 2015. (In Persian)
- Tansel, A., & Taşçi, H. –M. (2010). Hazard Analysis of Unemployment Duration by Gender in a Developing Country. *Discussion Paper No. 4844*, March 2010.
- Torabi, F., & Rashvand, M. (2019), relative importance of changes in age structure in changes in the unemployment rate. *Iranian Demographic Association*, 15(30), 261-288. (In Persian)
<https://doi.org/10.22034/JPAI.2021.139534.1166>

- Zaki, Y., Ahmadi, S. A., Abbasi Shavazi, M. J., & Adeebnia, Z. (2019). Spatial analysis of the effects of unemployment and unemployment of graduates on the political geography of Iran. *Journal of the Iranian Demographic Society*, 15(29), 151-178. (In Persian)
- Zare, G. (2010). *Factors affecting the period of unemployment of a case study of Yazd city: 2016 to 2018*. Master's thesis. Faculty of Economics and Management, Yazd University. (In Persian)